

تبیین دلزدگی زناشویی زوجین بر اساس مدل مفهومی عملکرد خانواده

حسین نازک تبار^۱، هایده شربت اوغلی اصل^۲

^۱ استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

^۲ کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آیت الله آملی لاریجانی، آمل، ایران.

نام نویسنده مسئول:

حسین نازک تبار

چکیده

هدف مقاله حاضر تبیین دلزدگی زناشویی بر اساس مدل مفهومی عملکرد خانواده در بین زوجین است. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهرستان بابل در تابستان ۱۳۹۷ است. حجم نمونه، ۲۰۰ نفر تعیین شده که با روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی انتخاب شده اند. داده های پژوهش به وسیله آزمون همبستگی و رگرسیون چندمتغیری با استفاده از نرم افزار SPSS24 تحلیل شدند. یافته های پژوهش نشان داد که بین مولفه های عملکرد خانواده با دلزدگی زناشویی زوجین رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. همچنین، براساس مقدار ضریب همبستگی چندگانه با $R(0/71)$ ، همبستگی آماری قوی ای بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته دلزدگی زناشویی در بین زوجین وجود دارد. مقدار ضریب تعیین یا R^2 نیز که برابر با ۰/۵۰ می باشد، نشانگر تبیین ۵۰ درصد از تغییرات متغیر دلزدگی زناشویی در بین زوجین توسط مجموعه مولفه های عملکرد خانواده در نظر گرفته شده است. با توجه به نتایج پژوهش می توان نتیجه گرفت که عملکرد سالم خانواده در بین زوجین، دلزدگی زناشویی را کمتر می کند.

واژگان کلیدی: عملکرد خانواده، دلزدگی زناشویی، حل مشکل، آمیزش عاطفی، همراهی عاطفی.

مقدمه

ازدواج یک مؤلفه بسیار مهم و با ارزش در حیات انسان تلقی می گردد. به واسطه ازدواج زن و مرد از طریق یک نیروی ناشی از غرایز، آیین محبت و عشق به هم جذب می شوند، به طور آزادانه و کامل متعهد یکدیگر شده تا واحد پویایی را به عنوان خانواده ایجاد نمایند (احمدی و همکاران، ۱۳۸۵). خانواده محیطی مقدس، با صفا و به زیباترین تعبیر قرآنی محل سکون و آرامش واقعی است (سوره روم، آیه ۲۱) و هر جامعه ای برای تداوم و بقاء خود نیاز به حفظ و بسط ارزش های خود در قالب خانواده دارد (فرهنگی، ۱۳۹۳).

در زمینه کارکرد خانواده، با توجه به این که خانواده واحدی عاطفی و اجتماعی است و کانون رشد و التیام، تغییر و تحول، آسیب شناسی اعضاء و روابط بین آنها است و هم چنین خانواده عامل همبستگی و شرط تعادل اجتماعی و رکن اصلی جامعه است که در هر نسلی کارکرد دارد و معمولاً این کارکرد در الگوهای تعاملاتی اعضایش تجلی می کند و ملاک کارایی خانواده این نیست که در آن فشار روانی، تعارض و مشکل وجود نداشته باشد، بلکه این است که خانواده تا چه اندازه در تحقق وظایف و کارکردهایش توانایی دارد؛ بنابراین ناکارآمدی و آسیب خانواده در انجام وظایف و کارکردهایش، به آسیب زوجین می انجامد (عبادت پور و دیگران، ۱۳۹۲).

عملکرد خانواده به چگونگی روابط اعضای خانواده، تعامل و حفظ روابط، چگونگی تصمیم گیری ها و حل مشکلات اعضای خانواده مربوط می شود (سیلیورن و همکاران، ۲۰۰۶). اوایل سال ۱۹۵۰ پژوهشگران در دانشگاه مکیل ایده های رسمی درباره فرایندهای خاص خانواده را آغاز کردند و گام های اولیه را به سمت مدل اولیه ای از عملکرد خانواده برداشتند. این مدل ها توسط دانشگاه مک مستر طی سال ۱۹۷۰ شکل گرفت و به عنوان مدل عملکرد خانواده مک مستر معروف است. همان گونه که اپشتاین و بالدوین (۱۹۸۳) مطرح کردند این مدل بر اساس پنج مفهوم اساسی نظریه سیستم ها بنا شده است: ۱. بخش های مختلف خانواده به همدیگر مرتبط هستند. ۲. بخشی از نظام خانواده را نمی توان جدای بقیه نظام درک کرد. ۳. نمی توان عملکرد خانواده را با درک یک بخش آن بطور کامل فهمید. ۴. ساختار و سازمان خانواده عوامل مهمی هستند که رفتار اعضای خانواده را تعیین می کنند. ۵. الگوی تبادلی نظام خانواده، رفتار اعضای خانواده را شکل می دهد. این فرضیه ها همراه با مشاهدات بالینی منجر به شکل گیری شش جنبه خاص عملکرد خانواده به همراه یک بعد کلی در زندگی خانوادگی شدند. این ابعاد عبارتند از: حل مسئله، ارتباط، نقش ها، پاسخگویی عاطفی، مشارکت عاطفی، کنترل رفتار، این مدل همچنین یک بعد کلی دارد که به میزان سلامت یا آسیب کلی خانواده مربوط می شود (آرونز، مک دونالد، کانلی، نیوتون، ۲۰۰۷).

از طرف دیگر، یکی از متغیرهایی که به نظر می رسد در روابط زوجین روی دهد دلزدگی زناشویی است. بنا بر تعریف دلزدگی، یک حالت خستگی و از پا افتادن جسمی، عاطفی و روانی است که نتیجه درگیری های طولانی مدت در موقعیت هایی است که افراد از نظر عاطفی و احساسی مطالبات زیادی دارند. چنین موقعیت هایی معمولاً به علت تفاوت زیاد بین توقعات و واقعیت بروز می کند و مهم ترین توقع آن ها این است که چیزی بیابند که به زندگی شان معنا بخشد. دلزدگی زمانی بروز می کند که زوجین متوجه می شوند، علیرغم تلاش شان رابطه آن ها به زندگی معنا نداده و نخواهد داد. در واقع، انباشته شدن سرخوردگی ها و تنش های زندگی روزمره، سبب فرسایش می شود و سرانجام به دلزدگی منجر می شود (پاینز، ۱۹۹۶، ترجمه گوهری راد و افشار، ۱۳۸۴).

دلزدگی زمانی بروز می کند که زوجین متوجه می شوند که علیرغم تلاش های شان، رابطه شان به زندگی معنا نداده و نخواهد داد. وقتی زن و شوهر از عشق و شیفتگی فاصله می گیرند، هر حادثه دلسرد کننده ای برای توجیه برچسب زدن منفی به همسرشان کافی به نظر می رسد. شوهر در این شرایط حتی اگر یک بار حساسیت نشان نداد، یک فرد بی احساس تلقی می شود. اگر زن ولو یک بار انتظار محبت شوهر را برآورده نکند، نامهربان می شود. یکی از عوامل زمینه ساز دلزدگی زناشویی برای زنان، نارضایتی آنان در حوزه مسائل جنسی در زندگی مشترک است (کمایی و صداقتی فرد، ۱۳۹۴: ۵۰). تحقیقات کارشناسان خانواده نشان می دهد که امروزه شیوع دلزدگی زناشویی بیشتر شده است. به طوری که ۵۰ درصد از زوجین در ازدواج خود با دلزدگی مواجه می شوند (عبادت پور و دیگران، ۱۳۹۲).

مرور تحقیقات داخلی و خارجی نشان می دهد که عملکرد خانواده با دلزدگی زناشویی رابطه معناداری دارند. اسفنجیر، رمضان و جوانمرد (۱۳۹۵) به بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و رضایت زوجین با دلزدگی زناشویی فرهنگیان متأهل شهرستان بهشهر پرداختند. نتایج یافته های پژوهش نشان داد که بین عملکرد خانواده با مؤلفه های دلزدگی زناشویی (جسمی، عاطفی و روانی) رابطه مثبت و مستقیم وجود داشت. بین رضایت زوجین با مؤلفه های دلزدگی زناشویی رابطه منفی و معکوس وجود داشت. عملکرد خانواده و رضایت زوجین توانسته اند دلزدگی زناشویی را پیش بینی کنند. نتایج پژوهش عبادت پور و دیگران (۱۳۹۲) با عنوان نقش واسطه ای کارکردهای خانواده برای تاب آوری فردی و باورهای معنوی و دلزدگی زناشویی، نشان داد که کارکرد خانواده، تاب آوری فردی و باورهای معنوی تأثیر منفی و معنی داری در کاهش دلزدگی زناشویی داشت. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که کارکرد خانواده، تاب آوری فردی و باورهای معنوی، دلزدگی زناشویی را پیش بینی می کند و مدل از برازش مناسبی برخوردار است. گودرزی (۱۳۹۲) در مطالعه ای با عنوان اثربخشی زوج درمانی با رویکرد ستیر بر بهبود عملکرد خانواده و کاهش دلزدگی زناشویی نشان داد که زوج درمانی با رویکرد ارتباطی ستیر در مقایسه با گروه کنترل باعث بهبود عملکرد زوجین شده است. هم چنین زوج درمانی با رویکرد ارتباطی ستیر باعث کاهش میزان دلزدگی زناشویی شده است. نادری

و آزادمنش (۱۳۹۱) مطالعه ای با عنوان مقایسه دلزدگی زناشویی، عملکرد خانواده و صمیمیت کارکنان زن و مرد انجام داد. نتایج نشان داد که در دلزدگی زناشویی و صمیمیت تفاوت معنی دار بین کارکنان زن و مرد وجود دارد، اما در عملکرد خانواده بین کارکنان زن و مرد تفاوت معنی داری مشاهده نشد.

تساپلاس و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی رابطه با عنوان بین دلزدگی زناشویی کنونی و رضایت زناشویی آینده را بررسی کردند. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که دلزدگی زناشویی کنونی عامل پیش بینی کننده رضایت زناشویی آینده می باشد و دلزدگی کنونی منجر به از بین رفتن صمیمیت و جدایی عاطفی زوجین می شود. نیلز (۲۰۱۵) سه عامل بار مسئولیت اضافی، مطالبات متناقض و تعهدات خانوادگی را به عنوان عواملی که منجر به تشدید دلزدگی زناشویی می شوند، معرفی کرده است. پارکوور و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی که به بررسی اثربخشی خانواده درمانی ساختاری پرداختند، به این نتیجه رسیدند که آموزش به خانواده ها با توجه به این رویکرد باعث افزایش رضایت زناشویی و کاهش ناسازگاری آنان شده است. هی جونگ و همکاران (۲۰۰۸) نشان داد که اختلاف زناشویی یک عامل پرخطر برای سلامت فیزیکی و روانی در بین همسران است که موجب ناکارآمدی خانواده می شود.

در زمینه عملکرد خانواده، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان به بحث و بررسی پرداخته‌اند و هریک به گونه‌ای برای خانواده کارکردهایی را بیان کرده‌اند.

عملکرد خانواده در اصل اشاره به ویژگی های سیستمی خانواده دارد. چگونگی برخورد خانواده با مشکلات و نیز تغییرات تحولی اعضا و چگونگی برخورد خانواد با بحران هایی که به طور طبیعی در نتیجه بیماری، حوادث و ... به وجود می‌آیند. به طور کلی، کارائی خانواده در برگزیده حوزه‌های گسترده‌ای از ویژگی‌ها، توانائی‌ها و نقش‌های خانواده است (اپشتاین، ۱۹۶۹ به نقل از نجاریان، ۱۳۷۴).

ویلیام آگبرن^۱ و کلارک تیبیتس^۲ دو تن از جامعه‌شناسان در سال ۱۹۳۴ شش کارکرد اساسی را برای خانواده مورد تأکید قرار دادند که عبارتند از: تولید مثل، حمایت و مراقبت، جامعه‌پذیری، تنظیم رفتار جنسی، عاطفه و همراهی و تأمین پایگاه اجتماعی. اگرچه خانواده کارکردهای دیگری هم دارد؛ مانند: آموزش، تربیت دینی، تأمین نیازهای اقتصادی، رشد و تثبیت شخصیت و... ولی شش مورد یادشده از کارکردهای مهم برای خانواده است (بستان، ۱۳۸۳).

استین هاور و همکارانش، فرایند کارکرد خانواده را در طول پنج بعد مطرح کردند که عبارتند از: ۱. انجام وظیفه؛ ۲. ایفای نقش؛ ۳. ارتباط (از جمله ابراز عاطفی)؛ ۴. دخالت عاطفی؛ ۵. کنترل (Hauer, 1984).

اگرچه این دو دیدگاه جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه در مورد کارکرد خانواده نقاط مشترکی با یکدیگر دارند، ولی از جهاتی با هم متفاوتند. اما آنچه دارای اهمیت است توجه به کارکرد خانواده در هر دو رشته علمی است و این امر اهمیت پرداختن به بحث کارکرد خانواده و انتظاری را که از خانواده می‌رود روشن می‌نماید.

گیدنز معتقد است که «مؤلفه‌های خانواده‌های امروزی، یعنی "نزدیکی و صمیمیت، عواطف ما و جنسیت" در حال تحول‌اند»: خانواده در دوران مدرن دست خوش چهار دگرگونی اصلی می‌شود. این دگرگونی‌ها در کشورهای غربی و صنعتی بسیار پیشروی کرده‌اند و به مرور در حال جهانی شدن هستند. این جهانی شدن به نظر تا حدود زیادی مقاومت ناپذیر و مثبت است اما با خود مشکلات عمیقی نیز به همراه می‌آورد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲۵). براساس دیدگاه ساختی- کارکردی، خانواده یکی از خرده‌نظام‌های نظام اجتماعی کل محسوب می‌شود که کارکردهایی را جهت بقاء نظام و حفظ ارزش‌ها و هنجارها برای ایجاد نظم و تعادل در جامعه بر عهده دارد. از منظر کارکردگرایی ساختاری، خانواده به مثابه یک نهاد اجتماعی، توازن خود را در کل نظام اجتماعی حفظ نموده و توانسته به بازتولید ارزش‌های خود بپردازد و آن‌را حفظ کند و به نسل‌های بعد منتقل کند (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۳). رنه کنیک جامعه‌شناس در بسط نظریه دورکیم مسأله کاهش کارکردهای خانواده را مدنظر قرار داده است. به زعم او، در اثر تحولات صنعتی، ساختار درونی خانواده به هم خورده و کارکردهای مهم آن به نهادهای مهم دولتی، اجتماعی و اقتصادی واگذار می‌گردد. وی معتقد است که در طول تاریخ انواع خانواده‌ها در کنار یکدیگر قرار داشته‌اند و دگرگونی در شکل خانواده با توجه به فرهنگ و ساختار خانواده رخ می‌دهد (اعزاز، ۱۳۸۹: ۷). به اعتقاد پارسونز در جوامع صنعتی پیشرفته، خانواده تقریباً تمام کارکردهای اجتماعی خود را از دست داده و تبدیل به خانواده منزوی شده است، در عین حال سایر کارکردهای خانواده مانند کارکردهای اقتصادی، تعلیم و تربیتی، خدماتی و محافظتی نیز به نهادها و سازمان‌های دیگر اجتماعی مانند شرکت‌ها، کارخانجات، مدارس و بیمارستان‌ها واگذار گشته است. اما از آن جا که ضرورت وجود خانواده کارکردی را درخواست می‌کند (پارسونز، ۱۳۶۳: ۷۱۹-۷۱۸). از نظر پارسونز دو کارکرد اصلی خانواده عبارتند از: اجتماعی‌شدن اولیه و تثبیت شخصیت. از نظر وی خانواده هسته‌ای مناسب‌ترین و کارآمدترین نوع خانواده برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه صنعتی است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۵۵). پارسونز بر اهمیت خانواده و حفظ ثبات جامعه و سلامت افراد تأکید می‌کند و روی کارکردهای مثبت خانواده مانند تنظیم روابط جنسی و تولید مثل، جامعه‌پذیری، مراقبت و نگهداری فرزندان،

تعیین پایگاه اجتماعی، حمایت عاطفی و تأمین عشق و محبت و امنیت فرد تأکید می‌کند و کارکردهای منفی خانواده را وجود علاقه عاطفی قوی بین اعضا و در نتیجه محدود کردن آن‌ها توسط یکدیگر، نادیده گرفتن کار زنان در خانواده و خشونت خانوادگی می‌داند (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶: ۵۳).

نظریه مارکسیستی، خانواده و شکل‌های آن را مرتبط با جامعه می‌داند. در این نظریه هنگامی که تضاد مالکیت خصوصی از طریق مالکیت جمعی و اشتراکی از بین رود، خانواده قادر خواهد بود که ویژگی‌های مثبت خود را برای زنان و مردان ظاهر سازد (اعزاز، ۱۳۸۹: ۸۴). از منظر نظریه کنش متقابل اجتماعی تصویری که کنشگران از جامعه و موقعیت خانواده دارند، به آن‌ها کمک می‌کند تا بتوانند به انتخاب و ایفای نقش اقدام کنند. اگر تصورشان این باشد که خانواده بر اساس قدرت پدر ساماندهی شده است، نقش‌های محول و مکتسب آن‌ها معین می‌شود. از طرف دیگر، این نظریه بر نقش آفرینی افراد مرتبط با دیگران (در نظام کنشی) تأکید دارد. بدین لحاظ نقش هر یک در نظامی از نقش‌ها معنا می‌یابد (آزادارمکی، ۱۳۸۹: ۲۶).

از سوی دیگر، کیفیت روابط درون خانواده، نقش به سزایی در شکل‌گیری نگرش‌ها و بازخوردهای اجتماعی اعضای خانواده دارد و پایه و اساس روابط درون خانواده بر محور رابطه زن و شوهر استوار است. دلزدگی زناشویی نماد وجود مشکل در ارتباطی سالم و صحیح بین زن و شوهر است. این مشکل ارتباطی در سطح خانواده می‌تواند در جامعه نیز شیوع و گسترش یابد و ارتباط انسانی را مختل نماید. وقتی بنیان نهاد خانواده دچار تزلزل شود، بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی کل نظام اجتماعی متزلزل شده و جامعه به سوی مشکلات گوناگون سوق داده می‌شود (نویدی، ۱۳۸۴).

نظرات متنوعی در علایم دلزدگی زناشویی وجود دارد که در اینجا به چند نمونه آن اشاره می‌شود. بر طبق نظر پاینز و همکاران (۲۰۱۱) علایم دلزدگی، شامل: کمبود عمومی اشتیاق، عدم رضایت، فرسودگی عاطفی، بی‌احساسی و کمبود علاقه است. افراد دلزده ممکن است احساس کنند که با وجود تلاش فراوان کمتر به نتیجه دلخواه شان می‌رسند. آن‌ها ممکن است نسبت به حالت عادی، زودتر خشمگین شوند و احساس کنند که توانایی خوش‌گذرانی و حس خوش‌گذرانی و حس شوخ‌طبعی را از دست داده‌اند. پاینز (۲۰۰۳) معتقد است فرد دلزده، احساس پوچی و تهی بودن می‌کند، خستگی، فرسودگی و از پا افتادن را به طور کامل تجربه می‌کند، زندگی به نظرش هیچ معنایی ندارد، احساس می‌کند در تله و دامی افتاده است که نمی‌تواند از آن خارج شود، در انجام نقش‌های مختلف اجتماعی احساس ناقص بودن می‌کند، احساس می‌کند بر زندگی اش کنترلی ندارد، نسبت به اطرافیان و برقرار کردن ارتباط با آن‌ها بی‌میل می‌شود و در نهایت ناامیدی و دلزدگی را تجربه می‌کند (پاینز ۲۰۰۴). نیلز^۳ (۲۰۰۳) به نقل از گورکین^۴، ۲۰۰۹) برای وجود دلزدگی ۱۳ نشانه معرفی می‌کند که عبارتند از: خستگی مزمن - فرسودگی، احساس از پا افتادن از نظر جسمی، عدم شادکامی، عصبانیت نسبت به دیگران، انتقاد کردن از خود به علت تحمل کردن در خواسته‌های دیگران، عیب‌جویی، منفی‌گرایی، تحریک‌پذیری، احساس تحت فشار بودن از هر طرف، به آسانی عصبانی شدن در مورد موضوعات کم‌اهمیت، سردردهای متناوب، آسیب‌های گوارشی افزایش یا کاهش وزن، بی‌خوابی، افسردگی، تنگی نفس، بدگمانی، احساس خلأ عاطفی و افزایش میزان ریسک‌پذیری.

همچنین گورکین (۲۰۰۹) معتقد است نشانگان دلزدگی عبارتند از: عدم اعتماد و اطمینان در مورد آینده و در کنار یکدیگر بودن، درماندگی برای بهبود اوضاع، حس عمیق آسیب‌پذیری، تجربه یک، حس عمیق از دست دادن، احساس این که هیچ کس آن‌ها را درک نمی‌کند، اجتناب از کشمکش، مشخص نبودن حد و مرز و عدم توانایی در نه گفتن.

افراد در درون خانواده از هم تأثیر می‌پذیرند و بر هم تأثیر می‌گذارند. مسلماً شکوفایی افراد خانواده، متأثر از عملکرد درونی خانواده است. هرگونه اختلال رفتاری و یا هیجانی در بین زوجین که پایه‌های خانواده را تشکیل می‌دهند، علاوه بر آن که آرامش روانی زوج مقابل را مختل می‌کند، بقا و دوام خانواده را نیز معرض تهدید قرار می‌دهد. خانواده تشکل طبیعی است که الگوهای گوناگون مراوده را در گذر زمان به خدمت می‌گیرد. این الگوها ساخت خانواده را شکل می‌دهند و ضمن تعیین نقش اعضای خانواده، حیطه رفتار هر یک از اعضا را مشخص و تبادل نظر میان آن‌ها را تسهیل می‌کنند. روابط و عملکرد مناسب خانواده برای سلامتی فرد، خانواده و جامعه ضروری است (قمری و خوشنام، ۱۳۹۰). آنچه در درون خانواده اتفاق می‌افتد و چگونگی عملکرد آن می‌تواند یک عامل کلیدی در ایجاد انعطاف‌پذیری و کاهش خطرات فعلی و آینده مرتبط با رویدادهای ناگوار و شرایط نامناسب باشد (سیلبورن و همکاران^۵، ۲۰۰۶). عملکرد خانواده به چگونگی روابط اعضای خانواده، تعامل و حفظ روابط، چگونگی تصمیم‌گیری‌ها و حل مشکلات اعضای خانواده مربوط می‌شود (سیلبورن و همکاران، ۲۰۰۶). از طرف دیگر، یکی دیگر از متغیرهایی که به نظر می‌رسد در روابط زوجین روی دهد، دلزدگی زناشویی می‌باشد. وقتی توقعات عاشقانه محقق نشوند، احساس سرخوردگی مستقیماً به همسر نسبت داده، می‌شود و سبب تحلیل رفتن عشق و تعهد می‌شود و دلزدگی

³ Nils⁴ Gorkin⁵ Silborn & demayo & atvn & griffin

جایگزین عشق می شود. دلزدگی زناشویی که ناشی از عدم تناسب بین انتظارات و واقعیت است و میزان آن به میزان سازگاری زوجین و باورهایشان بستگی دارد، امری تدریجی است و به ندرت ناگهانی اتفاق می افتد (اسدی، منصور، خدابخشی و فتح آبادی، ۱۳۹۲).
با توجه به مطالب مطرح شده، پژوهش حاضر در پی پاسخ گویی به این سوال است که چگونه دلزدگی زناشویی در زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهرستان بابل بر اساس مدل مفهومی عملکرد خانواده را می توان تبیین کرد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات علی - همبستگی می باشد. در اجرای آن از دو روش مطالعه اسنادی و پیمایشی سود برده می شود. به لحاظ معیار زمان این پیمایش از نوع مقطعی بوده و به لحاظ معیار ژرفایی از نوع پهنانگر است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهرستان بابل در تابستان ۱۳۹۷ است. در مورد حجم نمونه شایان ذکر است که نمونه نهایی با توجه به اطلاعات و آمار موجود، ۲۰۰ نفر تعیین شده است.
روش نمونه گیری به صورت به روش خوشه ای تصادفی می باشد، یعنی بدین صورت که با در نظر گرفتن نواحی جغرافیایی شهرستان در مراکز مشاوره مختلف قرار داده شد.

الف) تعریف عملکرد خانواده^۶

عملکرد خانواده به توانایی در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضا و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده است (کدیور و همکاران، ۱۳۸۳).
ابزار سنجش، تست سنجش عملکرد خانواده (FAD)^۷ است که به همت ناتان بی اپشتاین، لارنس ام. بالدوین و دوان اس بیشاب (۱۹۸۳) تهیه شده و هدف آن سنجیدن عملکرد خانواده بر اساس الگوی مک مستر است. برای نمره گذاری تمام پاسخ ها از ۱ تا ۴ کد گذاری می شوند که نمره بالاتر نشانگر کارکرد سالم است. ابعاد مقیاس سنجش عملکرد خانواده عبارت اند از:
- **حل مشکل**^۸: عبارت است از توانایی خانواده برای حل مسئله به گونه ای که تعاملات موثر خانواده استمرار یابد. سؤالاتی که خرده مقیاس حل مشکل را اندازه می گیرند، در کل ۶ سؤال است.
- **نقش ها**^۹: عبارت است از الگوهای تکراری از رفتارها که افراد به وسیله آن ها کنش های خانواده را تحقق می بخشند. سؤالاتی که خرده مقیاس نقش ها را اندازه می گیرند، ۹ سؤال است.
- **همراهی عاطفی**^{۱۰}: به درجه و کیفیت علاقه و نگرانی اعضای خانواده نسبت به هم گفته می شود. سؤالات سنجش خرده مقیاس همراهی عاطفی ۸ سؤال است.
- **ارتباط**^{۱۱}: یعنی خانواده چگونه اطلاعات را مبادله می کند. سؤالات اندازه گیری خرده مقیاس ارتباط در کل ۷ سؤال است.
- **آمیزش عاطفی**^{۱۲}: به میزان مشارکت و همکاری اعضا در خانواده گفته می شود. سؤالاتی که خرده مقیاس آمیزش عاطفی را اندازه می گیرند، ۸ سؤال است.
- **کنترل رفتار**^{۱۳}: الگویی است که خانواده برای اداره کردن رفتار در سه موقعیت (جسمانی، روانی، زیستی، اجتماعی) اتخاذ می کند. سؤالاتی که خرده مقیاس کنترل رفتار را اندازه می گیرند، در کل ۹ سؤال است (ثنایی و همکاران، ۱۳۷۹).

6 - Family Function
2 - Family Assessment Device(FAD)
4- Roles
3 - Problem-Solving
5- Affective Responsiveness
6-Communication
1 - Affective Involvement
2- Behavior Control
3- marital boredom
4- Pines, A. M

ب) تعریف دزدگی زناشویی^{۱۴}

بنا به تعریف دزدگی، یک حالت خستگی و از پا افتادن جسمی، عاطفی و روانی است که نتیجه درگیری های طولانی مدت در موقعیت هایی است که افراد از نظر عاطفی و احساسی مطالبات زیادی دارند. دزدگی زمانی بروز می کند که زوجین متوجه می شوند، علیرغم تلاش شان، رابطه آن ها به زندگی معنا ندهد و نخواهد داد (پاینز^{۱۵}، ۱۹۹۶، ترجمه گوهری راد و افشار، ۱۳۸۴).

مقیاس دزدگی زناشویی (CBM^{۱۶}) یک ابزار خود سنجی است که برای اندازه گیری درجه دزدگی زناشویی در بین زوج ها طراحی گردید. این پرسشنامه ۲۰ ماده دارد که شامل ۳ جزء اصلی خستگی جسمی (مثلا احساس خستگی، سستی و داشتن اختلالات خواب) از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن) و از پا افتادن روانی (مثل احساس بی ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) می باشد. تمام این موارد روی یک مقیاس هفت امتیازی پاسخ داده می شوند. سطح ۱ معرف عدم تجربه عبارت مورد نظر و سطح ۷ معرف تجربه زیاد است (پاینز، ۱۹۹۶).

یافته ها

داده های حاصل از پرسشنامه های تکمیل شده در بین ۲۰۰ نفر از زوجین (۱۰۰ نفر مردان و ۱۰۰ نفر زنان) مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهرستان بابل، با استفاده از نرم افزار آماری SPSS24 مورد تحلیل قرار گرفتند.

تحلیل توصیفی داده ها

اولین قسمت از بخش تحلیل یک متغیره، به ارائه نتایجی از مطالعه که تصویری از ویژگی های زمینه ای پاسخ گویان اختصاص دارد. نتایج پیرامون متغیرهای زمینه ای پاسخ گویان نشان می دهد:

- بیشترین پاسخ گویان مربوط به گروه سنی ۲۱ تا ۲۹ ساله و کمترین پاسخ گویان مربوط به گروه سنی بالاتر از ۵۰ سال بوده است.
- بیشترین پاسخ گویان مربوط به سطح تحصیلات لیسانس (۴۴/۵ درصد) و کمترین پاسخ گویان مربوط به سطح تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر (۸ درصد) بوده است.
- بیشترین پاسخ گویان مربوط به شغل آزاد (۳۹ درصد) و کمترین پاسخ گویان مربوط به گروه شغلی کارمند (۱۰/۵ درصد) بوده اند.

آزمون تحلیل همبستگی

جدول شماره (۱) در خصوص آزمون روابط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته در بین زوجین مشتمل بر نتایجی به قرار زیر است:

جدول ۱. نتایج حاصل از آزمون رابطه بین متغیر مستقل و متغیرهای وابسته

متغیرها	مقیاس متغیرها	میزان همبستگی	سطح معنی داری (Sig.)
حل مشکل - دزدگی زناشویی	فاصله ای - فاصله ای	۰٫۶۱۸**	۰/۰۰۲
ارتباط - دزدگی زناشویی	فاصله ای - فاصله ای	۰٫۶۴۱**	۰/۰۰۱
نقش ها - دزدگی زناشویی	فاصله ای - فاصله ای	۰٫۵۶۲*	۰/۰۰۰
همراهی عاطفی - دزدگی زناشویی	فاصله ای - فاصله ای	۰٫۶۳۱**	۰/۰۰۱
آمیزش عاطفی - دزدگی زناشویی	فاصله ای - فاصله ای	۰٫۷۵۲**	۰/۰۰۱
کنترل رفتار - دزدگی زناشویی	فاصله ای - فاصله ای	۰٫۵۳۳*	۰/۰۰۰

۱. نتیجه آزمون همبستگی پیرسون بین دو متغیر حل مشکل - دزدگی زناشویی زوجین در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ و اطمینان ۰/۹۵ معنی دار و معکوس است ($r = -0.618$; $P = 0.002$).

۲. نتیجه آزمون رابطه دو متغیر ارتباط - دزدگی زناشویی زوجین در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ و اطمینان ۰/۹۹ معنی دار و معکوس است ($r = -0.641$; $P = 0.001$).

۳. نتیجه آزمون همبستگی بین دو متغیر نقش ها- دزدگی زناشویی در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ و اطمینان ۰/۹۹ معنی دار و معکوس است ($r = -0/562$; $P = 0/000$).
۴. رابطه بین همراهی عاطفی- دزدگی زناشویی زوجین در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ و اطمینان ۰/۹۵ معنی دار و معکوس است ($r = -0/631$; $P = 0/001$).
۵. نتیجه آزمون همبستگی پیرسون بین دو متغیر آمیزش عاطفی- دزدگی زناشویی زوجین در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ و اطمینان ۰/۹۵ معنی دار و معکوس است ($r = -0/752$; $P = 0/001$).
۶. نهایتاً؛ نتیجه آزمون همبستگی بین دو متغیر کنترل رفتار- دزدگی زناشویی زوجین در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ و اطمینان ۰/۹۵ معنی دار و معکوس است ($r = -0/533$; $P = 0/001$).

آزمون تحلیل رگرسیون

در مطالعه حاضر، جهت پیش بینی و تعیین میزان متغیر وابسته دزدگی زناشویی، از روش تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. براساس نتایج این تحلیل رگرسیون، متغیرهای آمیزش عاطفی (با ضریب تأثیر ۰/۴۶-) و همراهی عاطفی (با ضریب تأثیر ۰/۴۵-) به ترتیب بیشترین ضریب تأثیر رگرسیون استاندارد شده را بر متغیر وابسته دزدگی زناشویی داشته اند. ضمن آن که، براساس مقدار ضریب همبستگی چندگانه با R^2 (۰/۷۱)، همبستگی آماری قوی ای بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته دزدگی زناشویی وجود دارد. مقدار ضریب تعیین یا R^2 نیز که برابر با ۰/۵۰ می باشد، نشانگر تبیین ۵۰ درصد از تغییرات متغیر دزدگی زناشویی توسط مجموعه متغیرهای مستقل در نظر گرفته شد. مقدار آزمون F (۲۸/۱۳) نیز نشانگر قابلیت بالا و مناسب مدل و طبیعتاً تبیین تغییرات متغیر وابسته دزدگی زناشویی توسط مجموعه متغیرهای مستقل است.

- ۱- اولین متغیر، متغیر حل مشکل با مجموع ضریب مسیر ۰/۴۴- بوده است. نتایج نشان از آن دارد که افزایش یک انحراف معیار در متغیر مستقل حل مشکل، با افزایش ۰/۴۴- انحراف معیار در متغیر وابسته دزدگی زناشویی زوجین همراه است.
- ۲- متغیر بعدی، متغیر ارتباط با ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده ۰/۴۳- بوده است. براساس این مقدار ضریب، به ازای افزایش یک انحراف معیار در متغیر مستقل ارتباط، با افزایش ۰/۴۳- انحراف معیار در متغیر وابسته دزدگی زناشویی همراه است.
- ۳- متغیر بعدی، متغیر نقش ها با ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده ۰/۳۹- بوده است. براساس این مقدار ضریب، به ازای افزایش یک انحراف معیار در متغیر مستقل نقش ها، با افزایش ۰/۳۹- انحراف معیار در متغیر وابسته دزدگی زناشویی زوجین همراه می باشد.
- ۴- متغیر بعدی، متغیر همراهی عاطفی با ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده ۰/۴۵- بوده است. براساس این مقدار ضریب، به ازای افزایش یک انحراف معیار در متغیر مستقل همراهی عاطفی، با افزایش ۰/۴۵- انحراف معیار در متغیر وابسته دزدگی زناشویی زوجین همراه است.

- ۵- متغیر بعدی، متغیر آمیزش عاطفی با ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده ۰/۴۶- بود. براساس این مقدار ضریب، به ازای افزایش یک انحراف معیار در متغیر مستقل آمیزش عاطفی، با افزایش ۰/۴۶- انحراف معیار در متغیر وابسته دزدگی زناشویی زوجین همراه می باشد.
- ۶- نهایتاً، متغیر کنترل رفتار با ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده ۰/۳۶- بوده است. براساس این مقدار ضریب، به ازای افزایش یک انحراف معیار در متغیر مستقل کنترل رفتار، با افزایش ۰/۳۶- انحراف معیار در متغیر وابسته دزدگی زناشویی همراه است.

از این رو، با توجه به مجموعه ضرایب تأثیر رگرسیونی فوق، معادله رگرسیونی نیز بدین صورت خواهد بود که:

$$y = 0/44 + 0/43(\text{نقش ها}) + 0/45(\text{همراهی عاطفی}) + 0/46(\text{آمیزش عاطفی}) + 0/39(\text{ارتباط}) + 0/43(\text{حل مشکل})$$

(دزدگی زناشویی)

جدول شماره (۲) و مدل تبعی آن، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر دزدگی زناشویی زوجین را نمایش می دهند:

جدول ۲. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر دزدگی زناشویی زوجین

ردیف	نام متغیر	B	SEB	Beta	t	P
۱	$y =$ دزدگی زناشویی	-	-	-	-	-
۲	Constant = عدد ثابت	۶/۷۳	۰/۰۶	-	۵/۲۴	۰/۰۱
۳	$x_1 =$ حل مشکل	-۰/۴۶	۰/۰۵	-۰/۴۴	۶/۱۴	۰/۰۱

۰/۰۱	۶/۰۸	-۰/۴۳	۰/۰۵	-۰/۴۵	X _۲ =ارتباط	۴
۰/۰۱	۶/۰۶	-۰/۳۹	۰/۰۵	-۰/۴۱	X _۳ =نقش ها	۵
۰/۰۱	۶/۱۲	-۰/۴۵	۰/۰۵	-۰/۴۷	X _۴ =همراهی عاطفی	۶
۰/۰۱	۶/۲۴	-۰/۴۶	۰/۰۵	-۰/۴۸	X _۵ =آمیزش عاطفی	۷
۰/۰۱	۶/۰۳	-۰/۳۶	۰/۰۵	-۰/۴۰	X _۶ =کنترل رفتار	۸
F=۲۸/۱۳						P<۰/۰۱
R=۰/۷۱						R ^۲ =۰/۵۰

بحث و نتیجه گیری

هدف مقاله حاضر، بررسی تبیین دلزدگی زناشویی بر اساس مدل مفهومی عملکرد خانواده در زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهرستان بابل بوده است. عملکرد خانواده آن چیزی است که خانواده به عنوان یک واحد انجام می دهد که شامل ارتباط برقرار کردن و دستکاری کردن محیط برای حل مشکلات است. عملکرد خانواده به چندین بخش تقسیم شده است: عاطفی، اجتماعی، زاد و ولد، اقتصادی و تأمین سلامتی و عواملی از جمله همبستگی، ابراز بیان خود در نظام خانواده، تعارض، گرایش های فرهنگی، گرایش های تفریحی، انضباط خانوادگی و جامعه پذیری خانواده را شامل می شود (Wood, 1990).

بنابراین، خانواده در مشخص کردن نقش ها و وظایف بین اعضاء، تفاهم درباره نقش های محول شده، عادلانه و منطقی بودن وظایف و نقش ها، قدرت برنامه ریزی برای انجام وظایف، تبیین مقررات برای برقراری نظم در خانواده، حمایت از یکدیگر در مواقع بحران، ارتباط صریح، اعتماد متقابل و مسئولیت پذیری، نقش اساسی را ایفا می کند.

مرتبط ترین دیدگاه، نظریه ساختی مینوچین است که براین باور است که خانواده وقتی معیوب می شود که قواعدش اجرا نشود. در روابط تعاملی دو فرد نه تنها از یکدیگر تاثیر می پذیرند، بلکه از سایر اجزاء سیستم نیز تاثیر پذیرفته و هم در آنها تاثیر می گذارند. بنابراین تغییر در هر جزء سیستم، در کل سیستم اثر می کند و آن را تغییر می دهد (مینوچین، ۱۳۸۰).

در سیستم خانواده چنان چه روابط هر یک از اعضا با دیگران دچار اختلال گردد، در این صورت کل سیستم خانواده دچار مشکل خواهد شد که گاهی باعث مشکلاتی می شود که جبران آن ها سخت و گاهی غیر قابل ممکن می باشد. از سوی دیگر، در تبیین این یافته می توان گفت که عملکرد پایین خانواده می تواند منجر به بروز دلزدگی از زندگی زناشویی شود. خانواده واحدی عاطفی و اجتماعی است و کانون رشد و التیام، تغییر و تحول، آسیب شناسی اعضا و روابط بین آن ها است. اگر اعضای آن نتوانند در محیط خانواده با یکدیگر ارتباط سالم و صمیمی داشته باشند، مشکلات و مسائل امور خانواده را با هم فکری یکدیگر حل نکنند، ارتباط خوبی را با فرزندان شان نداشته باشند، همه این عوامل ناسازگاری زناشویی در طی مدت زمان کوتاه را در پی خواهد داشت و همین عملکرد پایین خانواده، دلزدگی زناشویی را به وجود می آورد؛ بنابراین ابعاد و مولفه های عملکرد خانواده پیش بینی کننده و نقش موثری در دلزدگی زناشویی زوجین دارند.

یافته های تحقیق حاضر با یافته های تحقیق اسفنجیر، رضانی و جوانمرد (۱۳۹۵)، عبادت پور و دیگران (۱۳۹۲)، گودرزی (۱۳۹۲)، نادری و آزادمنش (۱۳۹۱)، تسپلاس و همکاران (۲۰۱۶)، نیلز (۲۰۱۵)، پارکوور و همکاران (۲۰۱۱) و هی جونگ و همکاران (۲۰۰۸) همخوانی دارد.

همچنین، در رابطه با تبیین این یافته می توان اظهار داشت که زوج هایی که صمیمیت زناشویی بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود، داشته باشند و در نتیجه دچار دلزدگی و ناسازگاری زناشویی نمی شوند و در مواقعی که در زمینه روابط عاطفی و صمیمی خود دچار مشکل می شوند، بهترین راه حل برای مشکل خود پیدا می کنند. همچنین برای تبیین این یافته می توان عنوان داشت که کارایی خانواده این نیست که در آن فشار روانی، تعارض و مشکل وجود نداشته باشد؛ بلکه این است که خانواده تا چه اندازه در تحقق وظایف و کارکردهایش توانایی دارد؛ بنابراین ناکارآمدی و آسیب خانواده در انجام وظایف و کارکردهایش، به آسیب و دلزدگی زناشویی زوجین می انجامد.

به طور کلی یافته ها نشان می دهد که مولفه های عملکرد خانواده در کاهش دلزدگی زناشویی زوجین موثر است، بنابراین پیشنهاد می شود که محققان به نقش هر یک از مولفه های عملکرد خانواده (حل مشکل، ارتباط، نقش ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار) در کارکرد زناشویی و کاهش دلزدگی زناشویی در زوجین و خانواده متمرکز شوند و با توجه به این که برنامه های آموزشی و درمانی در مراکز مشاوره باعث ارتقاء راهبردهای مقابله ای با کاهش دلزدگی زناشویی می شود، آموزش مهارت های ارتباطی خانواده گنجانده شود.

از سوی دیگر، یافته های پژوهش حاضر از دو جنبه نظری و عملی می تواند مفید باشد. الف) در سطح نظری با بررسی تاثیر مستقیم ابعاد عملکرد خانواده بر دلزدگی زناشویی به بدنه پژوهشی و دانش موجود در زمینه شناسایی عوامل موثر بر چگونگی و چرایی بهبود، افول و تغییرات زندگی مشترک در طول زمان و شروع دلزدگی زناشویی کمک می کند. ب) در سطح عملی می تواند کمک بزرگی در پیشگیری و کنترل آسیب اجتماعی و بهبود مولفه های عملکرد خانواده (حل مشکل، ارتباط، نقش ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار (زوجین باشد. لذا با توجه به یافته های این پژوهش به نظر می رسد که لازم است در فرایند زوج درمانی یا خانواده درمانی، آسیب پذیری های اولیه زوجین مورد ارزیابی قرار بگیرد تا در صورت لزوم مداخلاتی صورت انجام شود. همچنین نتایج این پژوهش می تواند در مشاوره پیش از ازدواج مدنظر قرار گیرد و با توجه به الگوهای ارتباطی اولیه زندگی، توصیه ها و اقدامات پیشگیرانه صورت بگیرد. و نهایتاً این که خانواده مسئولیت تأمین نیازهای عاطفی، همراهی عاطفی و آمیزش عاطفی را به عهده دارد و این مسئولیت زمانی کاهش می یابد که زوجین به آن درجه برسند که برخی از نیازهایشان در خارج از خانواده برطرف گردد، لذا باید روی رفتارها کنترل صورت گیرد و هر یک زوجین نقش خود در خانواده را کامل ایفا نمایند.

منابع و مراجع

- [۱] آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹)، جامعه شناسی خانواده ایرانی، تهران: انتشارات سمت.
- [۲] آزاد ارمکی، تقی؛ مهناز زند و طاهره خزایی (۱۳۷۹)، بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، صص ۲۹-۳.
- [۳] احمدی، خدابخش، نوایی نژاد، شکوه، اعتمادی، احمد (۱۳۸۵)، مقایسه اثربخشی دو روش مداخله‌ای تغییر شیوه زندگی و حل مشکلات خانوادگی در کاهش ناسازگاری زناشویی، فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۵(۱۷)، ۳۸-۹.
- [۴] اسدی، عدالت؛ منصور، لادن؛ خدابخشی کولایی، آناهیتا؛ فتح آبادی، جلیل (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین دلزدگی زناشویی، باورهای بدکاری جنسی و احقاق جنسی در زنان دارای همسر مبتلا به دیابت و مقایسه آن با زنان دارای همسر غیر مبتلا. خانواده پژوهی، ۹ (۳۵)، ۳۱۱-۳۲۴.
- [۵] اسفنجیر، علی اصغر، رضانی، لیدا و جوانمرد، مهدی (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و رضایت زوجین با دلزدگی زناشویی فرهنگیان متأهل شهرستان بهشهر، فصلنامه دانش انتظامی، سال هفتم، شماره ۴، زمستان.
- [۶] اعزازی، شهلا (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات روشن‌گران و مطالعات زنان.
- [۷] بستان، حسین (۱۳۸۳)، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- [۸] پارسونز، تالکوت (۱۳۶۳)، ساختار اجتماعی خانواده در «مبانی و رشد جامعه‌شناسی»، نوشته جی. اچ. آبراهام، ترجمه حسن پویان. تهران: چاپخش.
- [۹] پاینز، آیلما مالاج. (۱۹۹۶)، دلزدگی از روابط زناشویی، ترجمه حبیب گوهری راد و کامران افشار. ۱۳۸۴. تهران: انتشارات رادمهر. ۱۱-۱۰.
- [۱۰] ثنائی، باقر و همکاران (۱۳۷۹)، مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران: انتشارات بعثت.
- [۱۱] ستوده، هدایت‌الله و بهاری سیف‌الله (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات ندای آریانا.
- [۱۲] عبادت‌پور، بهناز؛ نوایی نژاد، شکوه؛ شفیع آبادی، عبدالله؛ فلسفی نژاد، محمدرضا (۱۳۹۲)، نقش واسطه‌ای کارکردهای خانواده برای تاب‌آوری فردی و باورهای معنوی و دلزدگی زناشویی، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، سال ۳، شماره ۱۳، صص ۴۵-۲۹.
- [۱۳] فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۹۳)، ارتباطات انسانی: مبانی. تهران: نشر رسا.
- [۱۴] قمری، محمد؛ خوشنام، امیر حسین (۱۳۹۰)، بررسی رابطه عملکرد خانواده اصلی و کیفیت زندگی در بین دانشجویان، فصلنامه خانواده‌پژوهی، شماره ۷.
- [۱۵] کامیابی، فرشته؛ صداقتی فرد، مجتبی (۱۳۹۴)، بررسی رابطه کژکاری جنسی در زنان متأهل با دلزدگی زناشویی آنها، فصلنامه روان‌شناسی تحلیلی-شناختی، سال ۶، شماره ۲۳، صص ۵۵-۴۹.
- [۱۶] کدیور، پ. اسلامی، ع و فراهانی، م (۱۳۸۳)، بررسی رابطه ساختار تعاملات خانواده (عملکرد خانواده) با سبک‌های مقابله با فشارهای روانی و تفاوت‌های جنسی در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی سال سی و چهارم، ۲؛ صص ۱۲۳-۹۷.
- [۱۷] گودرزی (۱۳۹۲)، اثربخشی زوج‌درمانی با رویکرد ستیر بر بهبود عملکرد خانواده و کاهش دلزدگی زناشویی، پژوهش‌های مشاوره، جلد ۱۲، شماره ۴۸، زمستان.
- [۱۸] گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، چشم‌اندازهای جهانی، تهران: انتشارات طرح‌نو.
- [۱۹] گیدنز، آنتونی، بردسالی، کارن (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- [۲۰] مینوچین، س (۱۳۸۰)، خانواده و خانواده‌درمانی، ترجمه ب، ثنائی ذاکر. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- [۲۱] نجاریان، فرزانه (۱۳۷۴)، عوامل موثر در کارایی خانواده: بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سنجش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- [۲۲] نویدی، فاطمه (۱۳۸۴)، بررسی و مقایسه رابطه دلزدگی زناشویی با عوامل جو سازمانی در کارکنان ادارات آموزش و پرورش و پرستاران بیمارستان‌های شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه شهید بهشتی.
- [23] Arons, G.A., McDonald, E.J., Connelly, C.D., & Newton, R.R. (2007), Assessment of Family Function in Caucasian and Hispanic Americans: Reliability, validity, and factor structure of the family assessment device. Family Process, 46(4): 557.

- [24] Epstein NB, Baldwin L M, Bishop DS(1983), The McMaster family assessment device. J Marital Fam Ther ; 9(2): 171-180.
- [25] Gorkin, M. (2009), The four stage of burnout. online. [http://stressdoc.com/ 4 stages. htm](http://stressdoc.com/4stages.htm). Howard L M, Incidence of burnout or compassion fatigue reported among medical dosimetrists[Dissertation], University of Wisconsin-La Crosse La Crosse .
- [26] Hauer, Stein & other.(1984), The Process Model of Family Functioning ,New York, Basic Book.
- [27] Heejeong, C. Nadine, F. (2008), Marital conflict, depressive symptoms and functional impairment. Journal of Marriage and Family. 2, pp. 377-390.
- [28] Neils, H. (2015), 13 sings of burnout and how to help you avoid it. <Http://suu.edu/faculty/gubl>. Retrived in 15 Aug. 2015.
- [29] Parcover, J. A., Mettrick, J., Parcover, C. A. D., & Griffin-Smith, P. (2011), University and college counselors as athletic team consultancy: using a structural family therapy model. Journal of College Counseling, 12(2), pp. 149-161.
- [30] Pines ,M.A. (2005), Falling in love (why we choose the loves we choose).New York and Hove :Rutledge.
- [31] Pines, A. M,& Nunes, R. (2003), The relationship between career and couple burnout: implications for career and couple counseling. Journal of employment counseling, 74 on 2 p 50-64.
- [32] Pines,A. M. (2004), Adult attachment styles and their relationship to burnout: a preliminary, Cross-cultural investigation. work and stress. 18(1) 66-80.
- [33] Silburn, S., Zubrick S., De Maio, J., Shepherd, C., Griffin, J., Mitrou, F. (2006), The Western Australian Aboriginal Child Health Survey: Strengthening the capacity of Aboriginal children, families and communities. Perth: Curtin University of Technology and Telethon Institute for Child Health Research.
- [34] Tsapelas. I, Aron. A and Orbuc. T(2016), Marital boredom now predicts less satisfaction 9 years latePublished In: Psychological Science, 20(5). Pp. 543-545.
- [35] Wood. D, Valdez. RB, Hayashi T, Shen A.(1990), Homeless and housed families in Los Angeles: a study comparing demographic, economic, and family function characteristics. Am J Public Health; 80(9): 1049-52.